

## تبیین فهم آیه اکمال دین بر اساس نظم فراخطی قرآن

احمد قرائی سلطان آبادی

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، رفسنجان، ایران  
ah.gharaei@vru.ac.ir

### چکیده

طبق دیدگاه گروهی از مفسران و قرآنپژوهان آیه اکمال دین (مائده: ۳) با قبل و بعدش هماهنگی ساختاری و معنایی ندارد. این ناسازگاری بیشتر ناشی از نوع نگرش به متن قرآنی است که متن را مطابق قواعد رایج در عرف و رابطه خطی و طولی آیات، یعنی توجه به روابط پسین و پیشینی آیه در سیاق و خطی مشخص در نظر می‌گرفتند؛ اما با تغییر آن نگرش و گذر از نظم خطی انسان که آیه با دیگر آیات همخوان و هم‌معنای خود، شبکه‌ای از ارتباطات دور و نزدیک را شکل دهد، می‌توان آیه منظور را با روش تحلیل و تطبیق ساختارهای متوازن در مسیر فرایند فهم درست قرار داد؛ در صورتی که از یک سو، به اموری چون فضای نزول سوره مائده و ارتباط با سوره‌های پیش از آن و از سوی دیگر، به نشانه‌هایی چون واژگان متقارب، ساختارهای متوازن و الگوهای تکرار در آیات متعدد به خصوص آیات دیگر سوره مائده توجه شود. رهیافت حاصل از واکاوی شبکه ارتباطی آیات مرتبط با آیه اکمال دین، اهمیت و ضرورت امر ولایت را در پی دارد، همان امریکه مطابق دیدگاه شیعه، دین با آن کامل شد و کافران را یأس فرا گرفت. کفاری از اهل کتاب به همراه منافقان که در عهدشکنی و تحریف احکام الهی و دشمنی با پیامبر (ص) و... از هیچ چیز دریغ نکردند؛ اگرچه از ظواهر آیات سوره، لفظ «ان رسمی ولایت امام علی (ع) در روز غدیر خم به دست نمی‌آید؛ اما از دلالت آیات ۵۵ و ۵۶ و ۶۷ مائده، بهره‌مندی حق ولایت برای «الذین آمنوا» و انطباق مصداق برتر آن به علی بن ابی‌طالب در صورت پذیرش خصوص سبب نزول آیه ولایت (۵۵) در حق ایشان به دست می‌آید.

### واژه‌های کلیدی

نظم فراخطی، آیه اکمال، ولایت، سوره مائده.

## طرح مسئله

پذیرش نظم و انسجام درونی قرآن این امکان را فراهم می‌سازد که از یک سو، در جهت کشف معنا و وظیفه متن در سطح کلام آن اقداماتی صورت گیرد، و از سوی دیگر نیز کیفیت نظم آیات در سوره‌ها واقع‌گرایانه‌تر بررسی و تحلیل شود؛ زیرا «هر متن و گفتار، یک نظام زبانی است که از مناسبات و روابط درونی خاصی تشکیل شده است. کار مفسر درک این مناسبات و روابط درونی در یک سیستم زبانی (متن) است» (واعظی، ۱۳۸۳، ص ۳۲).

تجارب صورت‌گرفته در این زمینه، حکایت از این واقعیت دارد که بیشتر قرآن‌پژوهان از منظر نظم خطی و کمتر فراخطی به متن قرآن توجه داشته‌اند. این رویکرد به‌رغم یافته‌های ارزشمندش به هر دلیلی در کشف ارتباطات پاره‌ای از آیات گویی چندان موفق نبوده است. از باب نمونه در آیه ۳ سوره مائده موسوم به «آیه اکمال دین» همچنان شاهد دیدگاه‌های مختلفی هستیم که موقعیت فعلی آن در قرآن با قبل و بعدش را ناسازگار نشان می‌دهد.

بنابراین ضرورت دارد، نگرش و رویکرد به آیات و سوره همسوی با واقعیت متن قرار گیرد و از آنجا که هنوز همه صورت‌های متصور از هویت متن برای ما مشخص نیست، تکیه بر یک رویکرد همچون پیشینیان هم چندان موجه به نظر نمی‌رسد. به‌خصوص در زمان حاضر که یافته‌های نوین در حوزه زبان‌شناسی و معناشناسی متن و تفسیر متون، سبب القای نگرش‌های متفاوت‌تری شده است و بعضاً امکان‌های دیگری از متن را به ما معرفی می‌کند. این یافته‌ها حاصل از چنین نگرشی، متن را در تمامیت آن و به صورت شبکه‌ای از واژگان متقارب

با روابط هم‌نشین و جانشین در نظر می‌گیرد (ر.ک: مطیع و همکاران، ۱۳۸۸، صص ۱۰۷-۱۰۸).

در این صورت، پرسش این است که با کدام نگرش می‌توان ارتباطات آیات در قرآن را بررسی کرد. آیا همچنان باید نظم آیات در سوره‌ها را به صورت خطی و طولی نبل کرد و فقط در نمونه‌های هم‌چون آیه اکمال دین به دنبال توجیه‌ها و وجوه احتمالی بود، یا ایر. که به مدد نظم فراخطی و شبکه‌ای هم امکان ربط‌دهی بین آیات با یکدیگر وجود دارد. در این گفتار کوشش شده است، بر چرایی ضبط آیه اکمال دین در چنین‌کنونی قرآن تمرکز شود و با استفاده از مکانیسم نظم فراخطی و حلقوی متن، چرایی و چگونگی این چنین بررسی و تحلیل شود. پیشینه بحث هم در قلمرو یافته‌های مفسران و قرآن‌پژوهان و هم متخصصان ادبیات باغ نشان‌دهنده بیان احتمالات و وجوه احتمالی بر اساس نظم خطی و طولی آیه منظور است که حداقل در ناحیه دوگروه شیعه و اهل سنت همچنان شاهد اختلاف در مباحثی معرفشی و روش‌شناختی می‌تسیم. تحقیقات صورت‌گرفته در زمان معاصر هم برخی از مبانی نظری موضوع نظم قرآن را پوشش می‌دهد. آنگونه که در نظریه‌های انسجام ساختاری (ر.ک: آقایی، ۱۳۸۷، صص ۷۲-۷۵)، روابط بینامتنی (EI-awa, 2006, p.24-44 به نقل از آقایی، ۱۳۸۷)، رهیافت اندام‌وار (Mir, 1993, p.211-213)، شبکه معنایی قرآن (ر.ک: ایزوتسو، ۱۳۶۱، صص ۴۴)، الگوی بازگشتی (ر.ک: ذوقی، ۱۳۹۲، صص ۱۶۵-۱۷۰)، ساختار هندسی سوره‌ها (ر.ک: شحاته، ۱۳۶۹، صص ۲۰-۲۷؛ خامه‌گر، ۱۳۸۶، صص ۱۳-۲۱) مشاهده می‌شود.

متن، حفظ ارتباطات قبل و بعد سخن در بافت خاص خود است؛ به نحوی که وجود هر نوع ناسازگاری و تضاد بین اجزای متن به مثابه خروج متن از ساختارهای اصلی اش محسوب می شود که در چنین شرایط طبعاً راه بر بیان احتمالات و وجوه دور از واقع باز خواهد شد.

نگرش پیشینیان و حتی بیشتر معاصران به متن قرآن بر اساس همین الگوی خطی و طولی پیگیری شده است (ر.ک: Mir, 1993, p210-213) که در واقعیت تاریخی خود، زمینه بررسی و طرح مباحث و نتایج مهمی چون نظم و ترتیب توقیفی و وحیانی آیات و سوره، نقش مناسبات و روابط بین آیات و سوره، بیان لطایف و وجوه زیبایی بخش در چینش و ترتیب آیات و سوره، نوع ارتباطات پیش و پس آیات و سوره، سبک و اسلوب بیانی خاص قرآن با نام وجه اعجاز آن و... را در میان ادبا، مفسران و اندیشمندان علوم قرآنی به دنبال داشته است به حدی که امروز هم از مراجعه با آنها گزیری نیست (ر.ک: سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، صص ۲۱۶-۲۱۷؛ زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱، صص ۱۳۱-۱۳۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۱۰۶).

اما در روزگار معاصر شاهد تغییر در نگرش برخی قرآن پژوهان هستیم که به مدد تحولات علمی و معرفت شناختی حاصل شده در حوزه های تفسیر متن و زبان شناختی، بر افق های تازه تری از بررسی و شناخت نظم و ساختار متن قرآن دست یافته اند. در چنین فضایی سعی شده است، متن به صورت یک کل به هم پیوسته دیده شود، تا چنانچه «کسی بخواهد معنای خاصی از قرآن را کشف کند، باید نگاه کلی نگر به همه متن داشته باشد و هر زاویه معنا را در گوشه ای از ساحت های قرآن جستجو کند» (مطیع و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۰۸).

در این دو پژوهش با توجه به چگونگی ترتیب آیه اکمال دین در نظم فعلی قرآن، بدون اشاره به نظم فراخطی و شبکه ای آن، سعی شده است که از مشکل ارتباط برخی آیات با یکدیگر از جمله آیه اکمال دین پرده برداشته شود و با تکیه بر قراین مفصل و شواهد برون سوره ای به ویژه ربط و فضای بین سوره های بقره، آل عمران، نساء و مائده نتایج توجه برانگیز به دست آمده است که با نتایج این گفتار در برخی جهات همسویی دارد (ر.ک: فقهی زاده، ۱۳۷۴، صص ۹۳-۱۰۸؛ بی آزار شیرازی، ۱۳۶۸). نیل رابینسون، *مدلتا طالمک* می دانشگاه ولز در انگلیس، هم در کشف انسجام ساختاری سوره مائده بر اساس مدل قلب (ر.ک: رابینسون، ۱۳۹۱) در تقسیم سوره به ۱۱ بخش، شواهدی دال بر تناظر این بخش ها با هم ارائه داد که البته اقدام ایشان مبتنی بر انسجام و پیوستگی درون سوره ای بوده است.

### ۱. نظم قرآن بر اساس الگوی خطی و فراخطی

چنانچه بتوان برای متن قرآن، ساختاری منظم و منسجم قایل شد، به ناچار باید از دو الگوی خطی (طولی) و فراخطی (حلقوی) پیروی کرد. مطابق الگوی خطی، متن با همه نشانه ها و قواعد حاکم بر زبان آن در طول یک خط ممتد پیکره بندی (Topology) شده است؛ به تعبیری «خطی بودن، بدان معنی است که واحدهای زبانی از قبیل واج، واژه یا پاره گفتار، به صورت رشته ای به هم پیوسته، یکی به دنبال دیگری می آیند و گفتار را همانند روایتی نمایان می سازد که آغازی دارد و پایانی. هر کلمه از جایی آغاز و به نقطه ای ختم می شود» (قیطوری، ۱۳۸۵، ص ۲۱). در این صورت، شرط انسجام و نظام مندی

در بخشی از مطالعات معاصر نیز، قرآن به منزله متنی غیرخطی و بی‌زمان در نظر گرفته شده است که ماهیت الهی خود را از طریق درهم‌شکستن مداوم بافت زمانی - مکانی و گذر از زبان خطی آشکار می‌کند. در چنین نگرشی گوینده متن یعنی خدا در چنان موقعیتی قرار دارد که همه زمان‌ها را درک می‌کند و در هیچ زمانی محصور هم نیست؛ بنابراین خود را در زبان به‌منزله یک متکلم عادی که گفته‌هایش در نظم خطی گرفتارند، آشکار نمی‌سازد. بنابراین قرآن نه از یک انسجام خطی، بلکه از انسجام شبکه‌ای برخوردار است که همه اجزای آن در ارتباط با یکدیگرند (ر.ک: قیطوری، ص ۱۷ و ۲۳).

نتیجه چنین پژوهش‌هایی این مسئله مهم را به ارمغان داشته است که برای اثبات انسجام و نظام‌مندی قرآن لازم نیست که بر نظم خطی و طولی آن توقف شود؛ بلکه باید از چنین نظمی گذر کرد و متن قرآن را فراتر از قواعد حاکم بر نظم عرفی بررسی کرد؛ زیرا بین گسستگی متن با غیرخطی بودن نظم  $\square$  لزمی وجود ندارد؛ بلکه چه بسا مسئله انسجام از طریق نظم خطی، واقعیت فراخطی بودن را به حاشیه برده باشد. پس گذر از نظم خطی، خود عامل پیوستگی معنایی و صوری متن است.

با پذیرش نظم فراخطی و شبکه‌ای قرآن می‌توان از واقعیت‌های مختلف و بازسازی تصویر درست از بازتاب آنها در قرآن دفاع کرد. باور ما این است که در قرآن کلیدواژه‌ها یا نشانه‌هایی وجود دارد که در سراسر آن پراکنده‌اند و در کاربردهای گوناگون خود از یک واقعیت خبر می‌دهند. این طبیعی است که انتقال یک پیام بر دوش برخی واژه‌های مرتبط و مبین آن پیام باشد و در فواصل متعدد بر زبان گوینده جاری

شود و اگر قرار باشد مراد گوینده از  $\square$  م و اشپی یا به‌درستی شناخته شود، گزیری از توجه به آن واژه‌های اساسی و نمونه‌های کاربردشان نیست؛ اما به‌جهت آر. که گوینده الهی در بیان مقاصد خود زمانی ۲۰ یا ۲۳ ساله را اختیار کرده و همزمان با شرایط و محیط‌های مختلف قصد القای پیام خود را داشته است، حصول چنین امری در بادی امر چندان آسان به نظر نمی‌رسد.

باین‌حال، می‌توان چنین تصور کرد که گوینده الهی از آن هنگام که شروع به سخن گفتن کرد تا پایان، مراد جدی خود را در ضمن واژگان متعدد و متقارب در معنا به کار برده و با انگیزه هدایت و تربیت انسان‌ها تمام حوادث نظام هستی را به مدد تبیین و تفهیم این انگیزه آورده است؛ به‌گونه‌ای که در سراسر این نوع تکلم می‌توان شاهدی بر جدیت و وحدانیت متکلم آن پیدا کرد. به‌وجهی که شاید بتوان گفت همه آیات به دنبال القای نگرش حقّانی و توحیدی به انسان هستند.

این رهیافت از یک سو، با تفسیر قرآن به قرآن هم‌پوشانی  $\square$  لازم معنی و یلرد، هم‌ل رشن نقد دیری چه در اندیشه و روش مفسران بزرگی ون  $\square$  مه طباطبائی بدین صورت مبناسازی شده است که «قرآن را باید به کمک خود قرآن تفسیر کرد و معنای آیه‌ای از آن را به‌مدد آیات نظیر آن از طریق تدبیر امر شده در خود قرآن روشن ساخت، تا با استفاده از ویژگی‌هایی که خود آیات ارائه می‌دهند، بتوان به شناخت آیات دست یافت» (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۱). از سویی نیز مکانیسم تفسیر موضوعی را پویا و کاربردی می‌داند؛ زیرا مفسر در چنین تفسیری به دنبال آن است که آیات مشابه (در لفظ و محتوا) و

این درحالی است که با تغییر نگرش و روش تفسیر آیه منظور در چارچوب زبان‌شناختی «گذر از نظم خطی» هم، می‌توان ارتباط آیه با آیات هم‌جوارش را سنجید و هم به کمک آیاتی در سوره‌های دیگر که با یکدیگر مرتبط و از بافت موجود آیه منظور نیز غایبند، از جایگاه کنونی آیه دفاع کرد. تقریباً شبیه کار کسانی که با الگوی «وحدت

موضوعی قرآن»<sup>۱۱</sup> ش‌ردد، محور تک‌یتوضوعت سوره‌های قرآن را کشف و پاره‌ای از ارتباطات آیات با سوره‌ها را مطابق ساختار هندسی سوره‌ها ترسیم کنند (ر.ک: الحجازی، ۱۳۹۰ق، صص ۱۵۰ - ۲۰۰؛ خامه‌گر، ۱۳۸۶)، با این تفاوت که میزان<sup>۱۲</sup>ش آنها در ربطدهی آیات محدود به نظم درون‌سوره‌ای و در نمونه‌هایی ارتباط موضوعی آیات با یکدیگر بود؛ حال آر.که در الگوی نظم فراخطی تکیه بر همه عناصری است که اولاً متن را در تمامیتش یاری می‌رساند، ثانیاً از ابتدای سخن گوینده تا انتها بافت‌های متعدد سخن را پوشش می‌دهد و در فرایند حلقوی متن نقش معنادهی را ایفا می‌کند.

سوره مائده در الگوی نظم فراخطی همسوی با سوره‌های بقره، آل عمران و نساء، قصه اهل کتاب (یهود و نصاری) و روابط و کوشش‌های اینان با کافران و منافقان در جهت پنهان‌ماندن برخی حقایق به ویژه حقانیت رسول اکرم (ص) را بیان می‌کند و از همه مهم‌تر حساسیت آنها نسبت به آنچه بر پیامبر نازل شده است، (ما أنزل إلیه) را نشان می‌دهد. از شبکه حلقوی آیات به دست می‌آید که آن امر مهم ولایت بوده، همان که در آیه ۵۱ از مؤمنان خواسته شده: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ

هم‌مضمون را در یک‌جا دسته‌بندی و درباره آن بحث و بررسی کند. مفسر ابتدا آیات گوناگون در یک موضوع از تمام قرآن را که در حوادث و فرصت‌های مختلف نازل شده‌اند، گردآوری و جمع‌بندی، سپس از مجموع آنها نظر قرآن درباره ابعاد آن موضوع را روشن می‌کند (ر.ک: شهید صدر، ۱۳۵۹، صص ۱۱-۲۴).

## ۲. ساختار سوره در الگوی نظم فراخطی

بنا بر نظم فراخطی و حلقوی حاکم بر قرآن در کنار نظم طولی و خطی آن، هرگونه پذیرش نظم و انسجام درونی سور قرآنی از آن جمله سوره مائده وابسته به عناصر و نشانه‌هایی است که در خود سوره‌ها تعبیه شده‌اند، اعم از واژگان هم‌نوا، الگوهای تکرار، توازی ساختار و هرآن چیزی که حلقه‌وار شبکه معنایی و دلالتی آیات را مشخص می‌سازد.

اینکه خداوند در همه سوره‌ها به‌خصوص مائده به فراخور سخن و به‌نحو پراکنده از موضوعات و مسائل گوناگونی سخن به میان آورده، برای آن است تا بر مفسر و خواننده روشن باشد که کشف پیوند و انسجام آیات و سوره‌ها لزوماً نباید در چارچوب معیارهای شناخته‌شده بین خودشان، یعنی قرارگرفتن موضوعات و مطالب در یک خط طولی و به هم وصل‌شده دنبال شود؛ زیرا در آن صورت مواضع متعددی از آیات و سوره‌ها وجود خواهد داشت که صدق<sup>۱۳</sup> با آن معیارها از گزر می‌گذرد. لیل نمونه همین آیه ۳ مائده به تأثیر معیارها و قواعد حاکم بر نظم عرفی (خطی) از گذشته تا حال هم از حیث جایگاه آیه و هم ارتباط آن با قبل و بعدش پرداخته و محل نظر و مناقشه مفسران و قرآن‌پژوهان شیعه و سنی بوده است.

مشاهده و تبیین شود؛ زیرا متن به آسانی رازهای خود را آشکار نمی‌سازد، مگر با شگردهایی خاص در پازنمایی پیام هاف. م. توجیه به واژگان رکروود و در بیان معنا که در جاهای متعدد متن هنرنمایی می‌کند، یکی از آن نمونه‌ها است.

در آیه اکمال دین، واژگانی چون یوم (۲بار)، الذین کفروا، دین (۳بار)، خشیت، اکمال، اتمام نعمت، رضایت، م. در سیاقی متفاوت به کارگرفته شده‌اند، تا از یک امر مهم خبر دهند که بنا بر دلالت آیه هم کفار را نومید ساخته و هم نشانه اکمال دین و اتمام نعمت معرفی شده است. باید توجه داشت که این واژه‌ها در متن کارکرد معنایی خاص دارند و گوینده الهی در بیان معنایی مشخص آنها را به کار برده است، مگر آن نمونه‌هایی که با قرینه و نشانه ثابت شود که بر معنایی دیگر هم دلالت دارند.

یوم بنا بر قواعد زبان‌شناختی عربی مادام که با حرف تعریف «ال» بیاید بر روز یا روزگار معینی دلالت دارد (ر.ک: ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۲۹)، هرچند مفسری چون زمخشری آن را بر روز معینی حمل کرده است (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۰۴). در مصداق این روز میان مفسر ک. م. است که بنا بر اهمیت بر روزهایی چون بعثت پیامبر (ص)، فتح مکه، نزول آیه براءت از مشرکان، روز نزول آیه، روز عرفه، روز غدیر خم حمل شده است (ر.ک: طباطبائی، صص ۱۶۹-۱۷۷). رویکرد فریقین در تعیین آن روز مبتنی بر باورهای مذهبی و فرقه‌ای بوده و از جهاتی چند سبب ک. م. ف نظر میان آنان نیز شده است. م. در جهت سبب و فضای نزول آیه شیعه معتقد است که این آیه در روز ۱۸ ذی الحجه

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ) یا در آیه ۸۱ از اهل کتاب خواسته است: (وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ). در ادامه بررسی آیه اهمیت این موضوع در آیات پایانی نازل شده بر پیامبر اکرم (ص) استنباط خواهد شد، گویی بین رحلت پیامبر (ص) با محتوای آیات این سوره (مفروض به ایر. که مائده آخرین سوره کامل باشد)، یعنی همین امر ولایت و مصداق م. ای آن ارتباط نزدیکی برقرار است.

### ۳. فهم آیات در الگوی فراخطی

باید در نظر داشت که یک آیه با واژگان خود، آیه‌های خویشاوندی در سوره‌های دیگر دارد و با آنها یک الگوی انسجام ساختاری - واژگانی می‌سازد. آن هم در قالب نظمی که آهنگ آیه‌ها آن را هدایت می‌کند؛ بنابراین فهم درست از آیه ممکن نیست، مگر در صورتی که بتوان شبکه ارتباطی و معنایی آن آیه را به‌درستی ترسیم کرد. شبکه‌ای از واژگان، مفاهیم و (عارف پیشینی، عوامل پراگماتیکی ط. عات نانوشته در هر بافت و سیاق که برای گوینده و مخاطب معلومند)، روابط و فضای صدور که در نظمدهی به آیه نقش ویژه‌ای دارند. با تحلیل نمونه‌های پیش‌گفته در زیر، بهتر می‌توان به واقعیت نظم فراخطی حاکم بر آیات و سور پی برد.

الف - واژگان متقارب در لفظ و معنا: استقرار واژگان در ساختار ادبی قرآن بر پایه این‌همانی‌ها و نه‌آنی‌ها شکل گرفته است. از این منظر آنچه مهم می‌نماید، روابط بین واژه‌ها و عبارات هم‌نوا و رابطه کارکردی آنهاست. این خود مقتضی آن است که عالم متن در پرتو ساختارهای اندام‌وار و ارگانیک آن

مِنْ خَيْرٍ مُّحَضَّرًا وَمَا عَمَلْتُمْ مِنْ سُوءٍ... آل عمران: ۳۰، یا یوم حنین که (لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا... توبه: ۲۴ و غیره دست یافت که همه اینها در حکم قرینه یا نشانه ما را در حصول فهم آیه اکمال یاری رسانند ع ۱۰۰ و ۱۰۱، براین، عبارت «الذیر. کفروا» در ۱۳۰ و اندی نمونه به کار رفته است که در همه آن مواضع بر مصادیقی خاص لائت دلالت دارد، م ۱۰۰ در جایی مراد کافران مکه، در موضعی مراد کفار اهل کتاب، در جایی هم مطلق کافران اعم از مسلمان و غیرمسلمان مدنظر بوده است.

مهم‌تر از این‌ها واژه «دین» است که بی‌شک سهم خاصی در تبیین آیه ایفا می‌کند، ۹۵ نمونه با مشتقات خود در قرآن به کار رفته است که این لفظ به‌رغم آ. که مشترک لفظی است و در معانی طاعت و انقیاد، حساب، تسلیم، جزا و پاداش و غیره به کار رفته است؛ اما در اینجا مراد معنای کلی آن یعنی مجموعه آموزه‌ها و دستوراتی است که خدا بندگانش را مکلف به عمل و اجرای آنها کرده است (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۲۴۵؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۱۸۰). در آیه منظور، یأس از دین مطرح شده است، نه یأس از مسلمین؛ بنابراین باید این یأس با توجه به محاسبات کافران معنا شود، گویی آنان تا پیش از نزول این آیه امیدی برای رخنه در دین و نابودی آن داشته‌اند و إلاً قرآن از یأس آنان سخن نمی‌گفت (نجارزادگان، ص ۳۳۷).

ب - واژگان تکراری: تأکید ما بر مفهوم تکرار و گریز از نظم خطی که به دنبال آن می‌آید، به‌خاطر نقش مهمی است که این دو در متمایز ساختن وحی از سایرگونه‌های گفتمان، ایفا می‌کنند. تکرار و

سال ۱۰ هجری نازل شده است، اهل سنت هم روز عرفه (۹ ذی الحجّه) سال ۱۰ هجری را روز نزول آیه دانسته‌اند (ر.ک: طباطبائی، صص ۱۶۹-۱۷۷).

در واقع خ ۱۰۰ ف از آنجاست که در ذهنیات مفسران، روزهای پیشنهادی به‌جهت تطبیق شرایطشان با محتوا و دلالت آیه در اولویت انطباق قرار گرفته‌اند. ب گفتم ع ۱۰۰ مه: بجهت با نام بدیل ذول طرح شده، « همه یا بیشتر آن استنباط (راوی) است. بدین معنا که ایشان عموماً حوادث تاریخی را گزارش می‌کنند، سپس آن را با آیاتی که انطباق‌پذیر با آن حادثه است، قرین می‌سازند و اسباب نزول آیه محسوب می‌دارند» (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۷۴)؛ درحالی‌که «مهمترین ک ۱۰۰ ک برای پذیرش روایت یا روایات اسباب نزول، تدبّر در خود آیات قرآنی است، چنانکه روایتی را می‌توان پذیرفت که با مضمون آیه و لحن و سیاق آن و تمام جزئیات و ظرایفی که با دقت در آیه می‌توان یافت، مطابقت کند» (نفیسی، ۱۳۸۱، ص ۸۴).

با اعتماد به نظم فراخطی آیات می‌توان عوامل و عناصر دخیل در فهم و نظم این آیه را شناسایی کرد. از قبیل ایر. که با پذیرش نزول سوره مائده که آخرین سوره کامل نازل شده است (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۲۰۵؛ نجارزادگان، ص ۳۴۳)، چنین به ذهن می‌آید که خداوند پیش از این سوره، مقاصد خود را در مقولات عبادی، معرفتی، اعتقادی و غیره با واژگانی در ساختارهای معنایی مشخص بیان داشته است. م ۱۰۰ واژه یوم را در ۲۷۰ و اندی نمونه به کار برده و در هر جا مدلول خاصی از آن را اراده کرده است، به‌نحوی که با ط ۱۰۰ ع از نوع کاربرد آن می‌توان به ط ۱۰۰ عاتی از قبیل اهمیت برخی روزها مثل یوم القیامه چون در آن روز: (يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ

در جای‌جای این شبکه پیوند می‌خورد (قیطوری، ص ۳۰).

ج - فضای صدور م، انگه‌بیز سبک بون یا گوینده الهی: توجه به فضای دور م و انگه‌بیز سبک بیان‌گوینده، نشانه و ابزاری مناسب جهت روشنگری برخی ابهامات و حل پاره‌ای از اشکالات متن به شمار می‌آید. به نحوی که گفته شده: یکی از ویژگی‌های سه عهده در محابوٓها ایت است اله معنا دمقصود هر م می را با توجه به فضایی هو م م کز آن صادر شده است، به دست می‌آورند؛ یعنی سبب، زمان و مکان صدور م، کوهگن فوهتٓ ذفول ارد وقت صدور آن را قرینه متصل به م می اند مد آنها ادر تعیین معنی م مؤثر می اند (باباؤی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۰۶).

در متن قرآن، گوینده الهی آن قصد و مراد جدی خود از تکلم (سخن‌گفتن) را در بافت‌های متعدد بیان کرده است و در مهم نشان‌دادن یک موضوع خاص م و لا ما یت آگوف که ل آت یاوره ملده فهمیده می‌شود) از همه امور و مسائل مرتبط با آن امر چه آنها که به اثبات آن می‌آیند و چه آنها که مانع فهم و اثبات آن می‌شوند؛ کمک گرفته است و با پردازش ماهرانه مطلب از آغاز سخن تا انتها، به متن چنان نظم و ساختاری داده است که تنها با گذر از قواعد خطی و حاکم بر عرف می‌توان به حقیقت آن امر دست یافت. بررسی سوره مائده از همین منظر را می‌توان نقطه عطفی در پیاده‌سازی الگوی فراخطی نظم قرآن به شمار آورد. افقی تازه در معنایابی متن در چارچوب نظم حاکم بر آن که می‌طلبد به فراخور نیاز در کشف وحدت کل قرآن به آن توجه شود.

درهم‌شکستن نظم خطی بخشی از یک روش زبان‌شناختی فراگیر است که قرآن برای گذر از بافت و گذر از دیگر ویژگی‌های زبان عرفی به کار می‌گیرد» (قیطوری، ۱۳۸۵، ص ۲۶).

الگوهای تکرار بیشتر ناشی از انگیزه گوینده در صورت معنادادن به قصد و انگیزه درونی‌اش است، بلانگونه که برای م قرآن م آن را معوی م غت و امتیاز در بیان مقاصدش (به‌خصوص در داستان‌های تاریخی) به شمار آورده‌اند (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۲۴۷؛ ابوزهرة، ۱۴۱۸، ص ۱۱۸-۱۲۰؛ فقهی زاده، ۱۳۷۴، ص ۱۴۸)؛ زیرا قرآن طبق یک دیدگاه پدیده تکرار را بر دو وجه به کار برده است: وجه اول اینکه تکرار به‌موجب آن است که اهداف دینی مترتب بر بیان یک داستان واحد در قرآن کریم متعده‌اند، در یک موضع برای یک هدف بیان می‌شود و در موضع دیگر برای بیان هدف دیگر. وجه دوم هم اینکه تکرار در قرآن، اسلوبی برای تأکید نهادن بر بعضی مفاهیم م می در نزد املت مسلمان است (حکیم، ۱۴۱۷، ص ۳۶۷).

تکرار لفظی واحد یا دو لفظ هم‌معنی یا هم‌مرجع می‌تواند دو بخش یک متن را به هم پیوند دهد. این پیوستگی، اگرچه از نوع خطی نیست، به متن انسجامی می‌دهد که فقط در یک اثر شعری به‌غایت هنجام می‌وال یلک . ع و وولٓ ، چش تلی به تکرار شده در قرآن، مرز سوره‌ها را به روی یکدیگر می‌گشاید؛ به‌طوری‌که همه آیات خویشاوند در گفتگویی بی‌انتهای شرکت می‌کنند. این گفتگوی بی‌انتهای الفاظ، موضوعات و سرگذشت‌های واحد یا همانند، قرآن را به شبکه‌ای از روابط بسیار فشرده تبدیل می‌کند که در آن هر مفهوم با مفاهیم بی‌شماری



در همین راستا آیه ۴۱ سوره مائده در خطاب به پیامبر اکرم (ص) چنین روشنگری می‌کند که: (یا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يَحْرَفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوْتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا...).

بررسی تاریخ و لفظ صدر لفظ نشان‌دهنده این واقعیت است که دشمنان پیامبر (ص) اعم از کفار و مشرکان و منافقان در فرصت‌های بسیار قصد تحقیر، تخریب، انتقام، شکنجه و قتل پیامبر را داشته‌اند، چه در سال‌های حضور در مکه (همچون آزار و اذیت پیامبر در شعب ابی‌طالب، تحقیر و اذیت ایشان به‌دست کودکان طائف، نقشه قتل ایشان از طرف نمایندگان قبائل عرب و...)، چه در سال‌های حضورشان در مدینه که در سریه‌ها و غزوات متعدد می‌توان نشانه‌های آن را مشاهده کرد (ر.ک: نجارزادگان، ۱۳۸۳، ص ۱۸۱-۱۸۴). در این بین نقش یهود و مشرکان مطابق آیات ارکان‌پذیر است، به‌حدی که قرآن آنها را سخت‌ترین دشمن مسلمانان معرفی کرده: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا...» (مائده: ۸۲)؛ اما بر عکس همه این نقشه‌ها و دشمنی‌ها، لفظ م و پیامبر در حال رشد و نفوذ در قلوب و سرزمین‌ها بودند و سکن رهبری دینی، سیاسی، علمی و فرهنگی جامعه لفظ می در دست توانای رسول قرار داشت و این برای دشمنان ناخوشایند بود.

پیامبر اکرم (ص) به پشتوانه تأییدات الهی از این هوقیعت به‌خوبی طمع داشت. از ۱۱ یونین رر موقع گوناگون هم چون: یوم الدار (روز دعوت خویشاوندان

سوره مائده در چنین کنونی قرآن پس از سوره‌های بقره، آل عمران و نساء قرار گرفته است که با پذیرش نظم شبکه‌ای قرآن می‌توان مدعی شد که این سوره با نظارت و دستور پیامبر اکرم (ص) صورت پذیرفته است. هرچند که در موضوع نظم و ترتیب سوره‌ها از گذشته دو دیدگاه اختلافی جود دارد: برخی اجتهادی و بعضی هم توقیفی می‌دانند (ر.ک: سیوطی، ج ۱، ص ۲۲۰ - ۲۲۳). در این سوره اساسی ترین مسائل ادیان آسمانی از قبیل: توحید و مبارزه با شرک و طاغوت، آفرینش انسان و جهان، سجده فرشتگان بر آدم، داستان پیامبران الهی و وحدت رویه بین آنها، عهد و میثاق الهی و نقض آن از سوی مخالفان، آگاهی و شناخت اهل کتاب از رسالت آخرین پیامبر و کتمان آگاهانه آن، سیمای کافران و منافقان صدر لفظ م و همکاری‌های سری آنان با یهود، موضع‌گیری‌های توأم با سرکشی و لجاجت یهود (قوم بنی‌اسرائیل) در برابر دعوت الهی، تشریح عبادات و تکالیف واجبی چون نماز، روزه، زکات، حج، جهاد و امر به معروف و نهی از مکر و غیره، مکرر و موکد آمده است که بی‌ارتباط با همدیگر نیستند، هرچند که با فاصله ذکر شده‌اند.

مهم‌ترین مسئله در مجموع این سوره‌ها به شکل تلویحی اشاره دارد به فعالیت‌های علنی و سری یهود و منافقان در مواجهه با پیامبران الهی به‌ویژه پیامبر حکرم (ص) که لجلبن خد الحکام ح و ر لم را و ک مردم بیان می‌کرد. بدان سبب که اولاً پیامبران گذشته همچون موسی و عیسی بشارت ظهورش را داده بودند (ر.ک: بقره: ۸۹ و ۱۶۶)، ثانیاً او همگان را به پذیرش آیینش یعنی لفظ م فرا خوانده بود (ر.ک: آل عمران: ۸۴ و ۸۵).

در اوایل دعوت)، روز مباحله (بنا بر سبب نزول آیه ۶۱ آل عمران)، روز بیان حدیث منزلت (روز جان شیر کردن علی بن ابی طالب به جای خود در مدینه) و... علی بن ابی طالب را ولی و جانشین و برادر و وصی خود معرفی کرد؛ بنابراین امیرمومنان نیز از تیغ تیز این دشمنی در امان نبود و اوج آن را در دوران پس از رسول ﷺ (ص) مشاهده می‌کنیم که هم مقام امامت و جانشینی از ایشان گرفته شد و هم نبردهای خونینی چون جمل و صفین و نهراون بخش زیادی از حیات و فرصت حکومت عدل را از ایشان گرفت.

مطابق فحوا و دلالت آیه ۶۷ مائده: «يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» نیز پیامبر (ص) در آخرین روزهای حیات مبارکش مأمور ﷺ امر مهمی شد که به تصریح آیه نقش تکمیل‌کننده دین و ناامیدسازنده کافران را داشت. حال این چه امری بود که در چنین زمانی باید ﷺ می‌شد؛ چنانچه این ﷺ صورت نمی‌گرفت گویی طه ﷺ رسالتی صورت نگرفته است. این در حالی بود که پیش از این بخش عمده‌ای از قرآن نازل شده بود.

اینها بخشی از یک معمای تاریخی است که بر یک امر مهم و حیاتی دلالت دارند. در کنار الگوی شبکه‌ای آیات سوره مائده که از آن، امر ولایت به دست می‌آید، بدون آر که بر مصداق خاصی تصریح داشته باشد، از بررسی منابع تاریخی و سیره به خصوص نزد شیعه معلوم می‌شود که آن امر مهم، ولایت علی بن ابی طالب (ع) است که پیامبر (ص) به اشارت وحی مأمور ﷺ آن را مدیکر ائمه به مناسبت؛ یعنی پس از حجة الوداع در محل غدیر خم

شد (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۸۹؛ امینی، ۱۴۱۶، ج ۱، صص ۴۲۴-۴۲۶). فضا و شرایط جامعه مدیون هم همین احتمال را تا حدود زیادی تأیید می‌کند. چون حجم انبوهی از تبلیغات و فعالیت‌های سرّی و علنی کفار اعم از یهود و منافقان در شکست و نابودی پیامبر (ص) ناکام مانده بود و تنها آرزوی آنها فوت زودرس پیامبر و رهایی و سرگردانی جامعه بود؛ البته شگرد آنان در تحقق این اندیشه متمرکز بر نفوذ در افکار سران جامعه و هدایت آنها به سمت موفقیت در خودکامگی‌ها و منافع قبیله‌ای‌شان بود که بروز جدی آن را باید در حوادث پس از رحلت پیامبر (ص) جستجو کرد. درست آن زمان که با چرخش و دگرگونی ذهن جامعه از مسئله کفن و دفن پیامبر به مسئله انتخاب جانشین، توانستند به چنان شرایطی دامن بزنند که دیگر حقیقت امر ولایت برای همیشه مخفی بماند.

د - نشانه‌ها و کدهای معنا بخشی: نشانه‌شناسی را یکی از بهترین روش‌های کارآمد دانسته‌اند که با ایجاد معنی و یا به تعبیر رولان بارت با «فرایند معنی دار شدن» سروکار دارد (استریتاتی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۳)؛ زیرا نشانه‌ها ردهایی‌اند که گوینده متن بر سطح متن قرار داده است، تا از طریق آنها، شبکه تشابه‌ها و همانندها مشخص شود. قرار گرفتن عبارات و واژگان به صورتی منظم در درون یک متن، محتاج نظام نشانه‌ها است. از این نظم نشانه‌ای و این‌همانی در صورت‌بندی گفتمانی به اصل «بازنمایی» می‌رسیم که مفاهیم فقط در یک بازنمایی ارائه می‌شوند، زبان و کلمه قابلیت و وظیفه بازنمایی همه چیزها به‌ویژه اندیشه را دارد (ر.ک: خالقی، ۱۳۸۵، صص ۲۸۸ - ۲۸۹).

روایت نقل شده از امام باقر (ع): «آخر فریضه آنزلها □□ الولایه ثم لم ینزل بعدها فریضه ثم أنزل (الیوم أکملت لکم دینکم)، (قمی، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۱۶۲) هم این مطلب را تأیید می‌کند. افزون بر این، این احتمال را هم تقویت می‌کند که بین یأس کفار از دین و کامل شدن دین مسلمانان از یک سو با امر ولایت و صاحبان حقیقی آن ارتباط نزدیکی وجود دارد که در یک برداشت اولیه ثابت می‌کند که کمال دین را باید در مسیر ولایت معنا کرد (ر.ک: فضل □□، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۴۷).

نشانه یأس هم بسان یک حالت روانی کافران: «الیوم یس الذین کفروا من دیرکم» نشان‌دهنده این واقعیت است که گویی همه درها بر روی آنان بسته شده و در تمام نقشه‌ها و برنامه‌های خود برای بی‌رونق کردن متاع دین ناموفق بوده‌اند، و این حالت روانی منفی نیز، مطابق مدلول آیه ۸۷ یوسف: «...وَلَا تَیَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا یَیَاسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْکَافِرُونَ» مختص کافران است. چون سنخ روانی کفار به دلالت آیه ۲۳ عر. کبوت، پوشاندن حقیقت و یأس از رحمت الهی است: «وَالَّذینَ کَفَرُوا بِآیَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِکَ یَیْسُونَ مِنْ رَحْمَتی وَأُولَئِکَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلیمٌ». بنابراین اهل ایمان باید به دلالت آیه ۱۳ ممتحنه: «یاأَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ قَدْ یَسُؤُوا مِنْ الْأَخرَةِ کَمَا یَسُؤُا الْکُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ» آنها را ولی و دوست خود نگیرند.

#### ۴. تحلیل ساختار آیه اکمال

آیه منظور محل چالش بین مفسران شیعی و سنی بوده است، به‌خصوص در فراز میانی آیه یعنی: «الْیَوْمَ یَسُ الذِّینَ کَفَرُوا مِنْ یَکِمْ □□ تَخْشَوْهُمْ وَخَشَوْنَ دِ

نشانه‌ها یا قراین در حالتی دور و نزدیک فرایند معنادهی متن را تسهیل می‌کنند، به شرط آر.که خواننده بر متن و قالب‌ها و ساختارهای آن احاطه کافی داشته باشد. در متنی چون قرآن این احاطه به حدی نیاز است که اخذ هر معنا از متن بدون توجه به شواهد دیگر دال بر آن معنا، در همان متن ممکن است به برداشتی متغایر با مبانی گوینده آن منتهی شود. از همین رو، چنین نظر داده شده است که وقتی یک متن را تفسیر می‌کنید، به کمک نشانه‌شناسی می‌توان یک نظام معنایی را پیدا کرد که اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و مفسران در طول تاریخ، قرآن را به شکل‌های گوناگونی تفسیر کرده و کارهای ارزنده‌ای را انجام داده‌اند؛ اما از این نگاه کمتر وارد شده‌اند که کل قرآن را به صورت یک نظام و منظومه معنایی ببینند و ارتباط آن را بفهمند (قائمی‌نیا، ۱۳۸۱، ص ۱۴۳).

بنابراین، به کمک الگوی نظم شبکه‌ای و فراخطی می‌توانه □□عات مناسبیست هف؛ یاون در اچین طلگو، نشانه‌ها و قراین حالی و مقالی وجود در □□م، امکان ارتباط اجزای متن را با یکدیگر در مقیاسی مشخص فراهم می‌سازند □□ در فهم آ. یکملا با توجه به فضای صدور سوره مانده در چنین کنونی قرآن، نشانه‌هایی دال بر اموری چند به چشم می‌خورد که در سراسر سوره پراکنده‌اند. برای نمونه نشانه‌هایی که از اهمیت امر «ولایت» خبر می‌دهند و در آیات ۵۱، ۵۵، ۵۶، ۸۱ این سوره طوری تعبیه شده‌اند که در یک برداشت خوش‌بینانه ممکن است از صاحبان این امر هم خبر دهند. به‌خصوص در آیه ۵۵: «إنما ولیکم □□ ورسوله والذین آمنوا...» که ولایت «الذین آمنوا» را در طول ولایت خدا و رسول قرار داده است.

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي  
وَبَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا ۚ وَبَدَأْتُ لَكُمْ دِينًا ۚ وَ  
بعدها دارد، آیا این یک اضافه‌ای است که در جایی  
دیگر بوده و به قصدی خاص اینجا قرار داده شده  
است یا اینکه جای آن همین‌جاست، فقط درک  
ارتباطش با پس و پیش بنا بر ظاهر آیات به درستی  
فهمیده نمی‌شود و نیاز به تدبیر فراگیر در شبکه  
معنایی قرآن دارد؟

در پاسخ به این سؤال دو دیدگاه مشهود است:

اول - دیدگاه اهل سنت که قایل به ارتباط پس و  
پیش آن هستند، مشروط به ایر. که (الیوم) امروز را  
روز تکمیل احکام شرعی عم لِحَمَلِ و اِرْمِ بِدَانِحِيمِ  
رَبِّ جَلَمِ زَمَخْشَرِ مَشِي «گف از دیز همه آنچه را بن  
هر انجام تکالیف‌تان اعم از یادگیری و عمل و حرام و  
آگاهی از شرایع و قوانین قیاس و مبانی اجتهاد نیاز  
دارید، برای شما کامل کردم» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱،  
ص ۶۰۵). آلوسی هم به نقل از ابن عباس و سدّی  
آورده: خداوند در این روز حدود و واجبات الهی و  
حرامش را با نزول آیاتش تکمیل کرد،  
به نحوی که چیزی بر آن اضافه نشد یا چیزی از آن به  
طریق نسخ برداشته نشده است» (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۳،  
ص ۲۳۳). فخر رازی هم اشاره به این داشت که این  
دین در اوایل بعثت متناسب با همان دوره کامل بوده؛  
اما در مقایسه با دوره‌های بعد ناقص بوده، سپس در  
آخر بعثت این شریعت کامل شده است الی‌یوم  
القیامه... (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۲۸۷).

دوم - نظریه بیشتر علمای شیعه که این فراز آیه  
با قبل و بعدها را بی‌ارتباط دانسته و «الیوم اکملت  
لکم دینکم» را همان روز «غدیر خم» (۱۸ ذی‌الحجه  
سال ۱۰ هجری) دانسته‌اند. پاره‌ای از مستندات آنها  
عبارتند از:

۱- از حضرت امام محمد باقر (ع) و حضرت امام  
جعفر صادق (ع) نقل است که این آیه نازل شد، بعد از  
آنکه حضرت رسالت (ص)، امیرالمؤمنین را در غدیر  
خم در حین انصراف از حجة الوداع خلیفه خود کرد  
و فرمود: من کنت مولاه فعلی مولاه.

۲- همچنین از آن دو امام معصوم نقل شده که  
فرمودند: این آخرین فریضه بود که حق تعالی نازل  
فرمود و بعد از آن هیچ فریضه نازل نساخت. پس  
کمال فرایض الهی به نصب امامت خود گرفت  
امیرالمؤمنین علی (ع) است (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۳،  
ص ۲۴۶).

۳- حافظ ابونعیم اصفهانی در کتاب «ما نزل من  
القرآن فی علی (ع)» از ابوسعید خدری (صحابی  
معروف) نقل کرده است که پیامبر (ص) در غدیر خم،  
علی (ع) را با نام ولی به مردم معرفی کرد و مردم  
متفرق نشده بودند تا اینکه آیه الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ...  
نازل شد، در این موقع پیامبر (ص) فرمود: «خدا بزرگ  
تر است به خاطر ایر. که دین را کامل و نعمت را تمام  
کرد و خدا از رسالت من و ولایت علی (ع) بر افراد  
بعد از من رضایت دارد، سپس گفت: «هرکس من  
مولای او بودم، پس علی مولای اوست، خدایا  
دوستان او را دوست و دشمنان او را دشمن بدار»  
(طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۱۹۳).

علمای شیعه در توجیه این بی‌ارتباطی چند  
احتمال داده‌اند:

۱. نزول آیه به همین ترتیب فعلی بوده است،  
چنان‌که ظاهر قرآن کریم همین را اقتضا می‌کند و در  
این صورت حقولی کلمی آن، جمله معترضه‌ای  
است که گوینده آن بر اثر اهتمام بدان با قصد  
معترضه‌بودن در وسط کلم آورده است (ر.ک:  
طباطبائی، ج ۵، ص ۱۶۷).

در همین راستا باید دقت داشت که صدر و ذیل آیه اکمال در دو جای دیگر متن یعنی بقره: ۱۷۳ و نحل: ۱۱۵ نیز به یک شکل آمده است؛ اما در آنجا عبارت وسطی یعنی «الیوم یئس الذین کفروا...رضیت لکم لإسلامکم دیناً» نیامده است. شاید بتوان گفت زمان نزول هریک از این سوره‌ها با دیگری فرق داشته و بالطبع در سوره مائده که آخرین سوره نازل است، نشانه‌های بیشتری دال بر اتمام نزول و تکمیل دفتر وحی قرار داده شده است. به نظر می‌رسد یکی از آن نشانه‌ها، همین عبارت وسطی آیه یعنی «الیوم یئس الذین کفروا ... الیوم اکملت لکم دینکم...» باشد که از یک امر مهم و دوران‌ساز خبر می‌دهد که هم مکمل دین و هم مایوس‌کننده کفار است.

از خود آیات به دست می‌آید آن امر مهم، ولایت است، مکه بنگرایدک یا ۵۱ و ۵۷ مائده که از مؤمنان می‌خواهد یهود و نصاری و کفار را اولیای خود بگیرند و در آیه ۵۵ و ۵۶ بر حق ولایت خدا و رسول و اهل ایمان تصریح دارد. طبق گزارش تاریخ، پیامبر (صلی) مکه رسمی آن را به روزهای پایانی حیات خود موکول کرد، گویی پیش از این فرصت مکه همگانی و همه‌جایی نوده ملت. شمشک مکه به‌خصوص منافقان هم که طبق یک نظر در آیات قرآن به «الذین فی قلوبهم مرض» معروفند (ر.ک: ایزوتسو، ۱۳۸۸، ص ۳۷۰)، منتظر فرصت بودند تا جلوی رشد مکه و مسلمین را بگیرند و از آنجا که در قتل و تهدیدهای مکرر پیامبر (ص) موفق نشده بودند، در انتظار رحلت ایشان و پیاده‌کردن نقشه‌های خود بودند، تا اینکه از مسئله جانشینی پیامبر (ص) در آخرین روزهای حیات ایشان مطلع شدند و آن مکه امر ولایت امیرالمؤمنین (ع) در روز غدیر خم

۲. برای مصون بودن این حقیقت می‌افزایش یا کاهش و حفظ آن از تحریف و دستبرد بدخواهان به‌گونه مستقل ذکر نشد؛ بلکه در اثنای طلب غیر مکه می‌قرار گرفت.

۳. هدف برجسته‌ساختن و جلب توجه‌کردن است، چنان‌که در گذشته کلمه «ولیتلطّف» را که وسط قرآن کریم است، بزرگ‌تر می‌نوشتند، یا جمله «والمقیمین» به صورت نصبی یا جرّی آمده است - درحالی‌که طبق قواعد ادبی می‌باید به شکل رفعی «والمقیمون» می‌آمد - که به نظر می‌رسد جز برجسته‌کردن وصف «قامه ص» در بین سایر اوصاف مقصود دیگری نباشد. در آیه بحث‌شده نیز دو جمله معترضه در وسط آیه‌ای که هیچ ارتباطی با مضمون فقهی آن ندارد، نگاه‌ها را به خود جلب می‌کند، به‌ویژه آنکه مضمون صدر و ذیل این آیه، نزدیک با همین الفاظ و کلمات، سه بار قبل از آن نیز نازل شده بود.

۴. این دو جمله جداگانه نازل شدند؛ لیکن به دستور پیغمبر اکرم (ص) یا با تصمیم گردآورندگان قرآن در این آیه گنجانده شده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۶۰۸).

به‌رغم احتمالات داده شده، مسئله ارتباط و انسجام درونی این آیه همچنان مبهم و سؤال‌برانگیز است و به‌سادگی نمی‌توان پذیرفت که صرفاً به‌جهت برجسته‌بودن عبارتی از آیه یا پنهان ماندن از دسیسه بدخواهان و غیره، آیه در ترتیب کنونی قرآن چنین جایگاهی یافته است. بی‌شک نگرش خطی و طولی به نظم آیات در سوره ما را به چنین وجوه احتمالی سوق داده است. بهتر است مسئله را طوری دیگر بررسی کرد، تا بیشتر و بهتر با هویت زبانی مکه خدا آشنا شویم.

بود و چون امام را در استواری ایمانش و ایستادگی از جاننش در حفظ پیامبر(ص) و دین او به‌خوبی می‌شناختند، احساس ناامیدی دوباره آنها را فراگرفت و کوشیدند با همان رویه سابق همچنان حقیقت را پنهان کنند و در جهت مخفی نگه‌داشتن امر ولایت، اقدامات لازم را انجام دهند که اوج فعالیت آنان را مطابق یک دیدگاه تاریخی بایستی در سقیفه هم دنبال کرد (ر.ک: دشتی، ۱۳۸۱، صص ۱۲۷ - ۱۲۸).

روایات تفسیری و حدیثی شیعه، زمان نزول آیه اکمال را پس از نزول آیه ۶۷ مانده یعنی آیه: (یا ایُّهَا الرِّسُول بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ ...) دانسته‌اند (ر.ک: طباطبائی، ج ۵، صص ۱۹۴ - ۱۹۵؛ طبرسی، ج ۳، ص ۳۴۳). امری که در منابع اهل سنت به شکل دیگری مطرح شده و تقریباً در بیشتر منابع تفسیری شان به وجه ارتباط در نزول این دو آیه اشاره نشده است (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، صص ۱۹۸ - ۳۲۰)، یا اگر شخصی مثل آلوسی به ارتباط این دو آیه بنابر برخی روایات اشاره کرده؛ ولی درنهایت همه آن روایات را ضعیف و مخالف مذاق اهل سنت دانسته است (ر.ک: آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۳، صص ۳۵۹ - ۳۶۳). در روایت اسباب نزول هم فقط به نزول آیه ۶۷ مانده «یا ایُّهَا الرِّسُول بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ ...» در روز غدیر در شأن امیرمؤمنان علی علی‌ه‌السلام اشاره شده است (ر.ک: واحدی، ۱۴۱۱، ص ۲۰۴).

این درحالی است که خود آیه تبلیغ هم بنا بر ظاهر سیاق، با قبل و بعدش ارتباط ندارد؛ چون قبل و بعد این آیه به‌صراحت از اهل‌کتاب و مسئولیت آنان در برابر دعوت الهی خبر می‌دهد. این ارتباط‌نداشتن می‌تواند ناشی از این باشد که اوضاع و احوال (اهل‌کتاب در آن روزی که پیامبر (ص) مأمور به تبلیغ این

دستور بود؛ یعنی در حجه‌الوداع و آخرین روزهای عمرشان طوری نبود که از ناحیه آنان خطری متوجه رسول خدا شود، تا در نهایت خداوند هم بر اساس آن ضمانت بر حفظ و حراست پیامبرش از خطر دشمن را در قالب عبارت «لَا يَمَسُّكُمُ الْيَوْمَ الْيَوْمَ» بیان کند؛ چون مسئله یهود و نصاری در سال دهم هجرت حل شده بود و قبایل گوناگون یهودیان مانند بنی قریظه، بنی‌النضیر، بنی‌قینقاع، یهودیان خیبر و سایرین یا تسلیم مسلمانان شده‌اند و جزیه می‌پرداختند و یا ترک وطن کردند، افزون‌برآن در این آیه و پس از آن تکلیفی طاقت‌فرسا برای اهل‌کتاب خود، تا در «بَلِّغْ» آن خطری متوجه رسول‌ند اشود، پس این آیه در بین آیات قبل و بعد خود در یک سیاق نیست و پیامی مستقل ارائه می‌کند (نجارزادگان، ۱۳۸۳، ص ۱۸۰).

باوجوداین، مسئله حاضر همچنان این است که نظم و تناسب بین آیات و سوره تا چه حد بر آن امر مهم دلالت دارد و اگر تنها مرجع موجود در اثبات و دفاع از آن امر مهم، روایات و شواهد تاریخی باشد؛ درحالی‌که در منابع شیعی به شیوه‌ای و در اهل سنت به شیوه‌ای دیگر بیان شده‌اند. تفاوت موجود بین این منابع نیز ناشی از باورهای مذهبی و فرقه‌ای است که ممکن است بر اساس یک برنامه تعریف‌شده شکل گرفته باشد، تا واقعیت فهم امر ولایت از طریق نظم فراخطی و شبکه‌ای قرآن برای همگان حتی خواص آشکار نباشد.

##### ۵. ولایت گفتمان غالب در شبکه آیات

از نظر نگارنده، در نظم و ساختار چهار سوره آغازین قرآن، شبکه‌ای از واژگان و مفاهیم کلیدی و

شده است که در تحلیل خود از نظم فراخطی و درجهت کشف امر ولایت به مثابه یک گفتمان غالب و در نقش تکمیل کننده دین و عامل یأس کفار بدان نیازمندیم.

مرتبط جای گرفته است که در آن بر الگوهای تکرار، توازی ساختار و واژگان هم‌نوا تأکید شده است. به وجهی که می‌توان بر اساس آن، نظم و ساختار فعلی قرآن را توفیقی و به نظارت وحی دانست. در جدول زیر بخش توجه برانگیز از آن واژگان و مفاهیم بیان

جدول ۱

موضوع	سوره بقره	سوره آل عمران	سوره نساء	سوره مائده
آیات میثاق و نقض آن	۶۳، ۶۴، ۲۷، ۴۰ ۱۰۱، ۹۳، ۸۴، ۸۳، ۸۰	۱۸۷-۸۱-۷۷-۷۶	۹۰، ۱۵۴، ۱۵۵	۱۰۷، ۱۲، ۱۳ ۷۰، ۱۴
آیات بشارت ظهور پیامبر اکرم و آگاهی اهل کتاب از ایشان	۱۴۷-۸۹	۱۸۷، ۸۶، ۸۱	۴۷	۸۳، ۴۴، ۱۹ ۸۴،
آیات کنعان حق	۱۴۶، ۱۴۴، ۷۹، ۴۲، ۷۲ ۲۸۳، ۱۷۴، ۱۵۹، ۱۴۷	۷۱	۵۸، ۳۷	۹۹، ۱۹، ۱۵
آیات تبدیل و تحریف	۱۰۶، ۷۵، ۵۹		۴۶	۴۱، ۱۳
آیات برخورد و ارتباط اهل کتاب با مسلمانان، مشرکان و منافقان	۱۱۰، ۱۰۹، ۷۵، ۷۶، ۱۰۵ ۱۴۵، ۱۴۳، ۱۴۲	۱۲۰، ۱۸۶، ۱۱۱، ۱۱۹	۱۵۳، ۵۱، ۵۴، ۶۰، ۶۱	۵۲، ۴۱
آیات وحدت رویه بین انبیای الهی	۲۸۵، ۲۱۳، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸	۱۷۹، ۷۹، ۸۰، ۸۴، ۱۴۴	۱۵۲، ۱۵۰، ۱۳۶ ۱۶۴	۱۲
عقائد و عکس العمل‌های اهل کتاب	۱۱۶، ۱۱۴، ۱۱۱، ۱۱۳ ۱۷۶، ۱۳۵، ۱۲۰،	۷۰، ۶۴، ۶۹، ۶۱، ۲۱، ۲۳ ۱۸۳، ۱۸۱، ۱۱۲، ۹۸، ۹۹	۱۷۱، ۵۴، ۴۶، ۴۴	۱۷، ۱۸، ۴۲ ۸۰، ۴۳، ۵۹، ۶۲
فرقه‌های مختلف اهل کتاب	۲۵۳، ۱۱۸، ۸۷	۶۹، ۷۲، ۷۵، ۷۸، ۱۰۰، ۱۱۰، ۱ ۱۹۹، ۱۱۴، ۱۳	۱۵۹	۷۰، ۶۶، ۱۳
آیات مربوط به ولایت	۲۵۷، ۱۰۷	۱۵۰، ۱۲۲، ۲۸، ۶۸	۸۹، ۸۳، ۴۵، ۵۹، ۷۵ ۱۴۴	۵۶، ۵۵، ۵۱ ۸۱
آیات هم‌سو با آیه ۳ مائده	۱۷۳، ۱۵۰	۸۵، ۸۲، ۸۱، ۱۹، ۲۰	۷۷	۸۱، ۴۴، ۵
آیات مربوط به حج و حرام‌ها در کتب آسمانی	۲۷۵، ۱۷۳	۹۳، ۵۰	۱۶۰	۸۷، ۶، ۱

۳۶،۵۳،۹،۱۰ ۷۸، ۶۹، ۵۶، ۵۵ ۸۶، ۸۲، ۸۰ ۱۱۰، ۱۰۳	۶۰، ۵۷، ۵۱، ۵۶، ۴۲ ۱۲۲، ۷۶، ۱۰۱ ۱۳۶، ۱۳۷ ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱ ۱۷۵، ۷۳	۶۸، ۷۰، ۵۷، ۵۶، ۱۲، ۴، ۱۰ ۱۰۱، ۹۰، ۹۱، ۸۷، ۸۶، ۷۲، ۱۰۲، ۱۱۶، ...	۲۱۸، ۲۱۴، ۲۱۳	آیات مربوط به «الذین آمنوا» و «الذیر. کفروا»
۷۰، ۵۷، ۵۴، ۳	۱۷۱، ۱۴۶، ۱۲۵، ۴۶	۸۵، ۸۳، ۷۳، ۱۹، ۲۴	۲۵۶، ۲۱۷، ۱۳۲	آیات مربوط به دین
۶۷، ۶۴، ۵۹، ۴۹ ۸۳، ۸۱، ۶۸	۶۰، ۶۱، ۱۶۲، ۱۶۶	۱۹۹، ۸۴	۲۸۵، ۴، ۱۳۶	عبارت ما أنزل إليك يا إليه يا إلینا یا علینا

است. به‌خصوص در همین سوره مائده آیه ۶۴ و ۶۸ عین عبارت «ما أنزل الیک من ربک» آمده که واکنش تند یهود در قالب طغیان و کفر را در برابر آن امر مهم نشان داده است و مطابق روایتی از امام باقر (ع) ذیل آیه ۶۸ مائده، آن امر مهم همان ولایت علی (ع) است (ر.ک: عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۶۵۹؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۳۴۰).

□□ وولجہ بن بلیت (لا عین مؤا) که در آیه ۵۵ مائده آمده: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» مطابق دیدگاهی، در شأن و شخصیت امیرمؤمنان علی (ع) نازل شده است (ر.ک: سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، صص ۲۹۳ - ۲۹۴؛ عروسی حویزی، ج ۱، صص ۶۴۳ - ۶۴۸؛ بحرانی، ج ۲، صص ۳۱۶ - ۳۲۰) که چون یک تک‌واژه خاص در پهنای آیات قرآن هنرنمایی می‌کند، به‌ویژه اگر طبق روایتی که سیوطی آن را از ابونعیم اصفهانی در کتاب حلیه الأولیاء نقل کرده است، بپذیریم که «ا أزل □□ آیه فیها یا ایها للذین آمنوا إلیا وعلی رأسها وأمیرها» (سیوطی، ج ۱، ص ۱۰۴) آیه مربوط به‌نحو متمایز و برجسته، ولایت امیرمؤمنان علی (ع) را در طول ولایت خدا و رسولش معرفی کرده و البته درآیه بعد آن یعنی آیه ۵۶ همین معنا

مطابق جدول فوق مفاهیم مرتبط با مسئله ولایت در فضای چهار سوره پراکنده شده است و همواره ناظر و دال بر یکدیگرند، مشروط به ایر. که پیوندهای آیات با هم را در فراسوی نظم عادی و طولی آن‌ها دنبال کنیم. حتی این شبکه معنایی در گستره سوره‌های دیگر هم به چشم می‌خورد؛ البته در صورتی که پذیرفته باشیم، تمامی آیات قرآن که صادر شده از گوینده بی‌همتای الهی است، درصدد القای یک سخن منسجم و معنادار هستند. برای مثال عبارت «ما أنزل الیک من ربک» که به نص آیه ۶۷ مائده قطعاً دلالت بر یک امر مهم دارد، به‌حدی که پذیرش □□ غ رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به آن امر مهم است، به شگردی خاص به‌دست گوینده الهی در گوشه‌هایی از □□ م و بیانش جای گرفته است که تنها با تدبیر فراگیر می‌توان به حقیقت معنایی آن دست یافت □□ در آیه ۱۹ سوره رعد گفته شده: «أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ»، یا همین معنا در ساختاری دیگر هم در آیه ۳ سوره اعراف: «اتَّبِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ» هم در آیه ۵۵ سوره زمر: «وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ» به کار رفته



است که در آیه ۵۶ همین سوره به مصداق‌های مشخص آن یعنی خدا، رسولش و اهل ایمان تصریح شده است. روزی که قصه ولایت به فرجام نیک خود رسید، همان روزی بود که دین خدا کامل شد و کفار را یأس و نومیدی فرا گرفت، (الیوم یئس الذیر. کفرُوا من دیر. کم... الیوم اُکملت لکم دیر. کم و اتممت علیکم نعمتی... ). اما چرا این آیه در بین دو عبارت به ظاهر نامرتب قرار گرفته است؟

به چند شیوه به این سؤال می‌توان پاسخ داد:

الف- بنا بر شرایط خاصی که در جامعه مدینه مکی وجود داشت و حساسیتی که دشمنان به مقوله آینده  $\square\square\square$  و المذجینی از رسول  $\square\square\square$  شدن ده بود، سن همان دشمنانی که «لَیَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ هُمْ یَعْلَمُونَ» بقره: ۱۴۶ و «یُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» مائده: ۴۱، این احتمال وجود داشت که بسان پوشاندن حقانیت پیامبر آخرالزمان (بنگرید: جدول ۱، آیات کتمان حق) در پوشانیدن حقانیت مقام امیرالمؤمنین (یعنی نفس و جان پیامبر به دلالت آیه ۶۱ آل عمران) هم همت‌گمارند و در  $\square\square\square$  الهی دست برند. از این رو، خداوند این واقعیت را در اثنای آیات سوره پراکنده ساخت، تا از گزند دشمنان مصون ماند (نوعی حفظ الهی در چارچوب‌های  $\square\square\square$  می و بیانی).

ب- می‌توان ارتباط بخش‌های آیه ۳ سوره مائده را در فضای شناخت صدور سوره و ارتباط آن با سوره‌های قبل آن واکاوی کرد که در نتیجه این سوره آخرین سوره نازل شده و نظام‌مند و منطبق بر ترتیب توقیفی قرآن است. بدین منوال که در سوره‌های قبل از نقض عهد و پیمان الهی از جانب اهل کتاب، حرام شدن برخی خوردنی‌ها بر آنان و مطالبی هم در چگونگی برخورد اهل کتاب با مسلمانان و ارتباطات

تأکید شده است که: «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ». در آیه ۵۷ هم از یک واقعیت دیگر پرده برداشته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُتُمَ مُؤْمِنِينَ»، ایر. که گروه مؤمنان توجه داشته باشند که حد و مرز ولایت‌پذیری آنها را ما ترسیم کردیم، دیگر نیازی نیست که گرایش به افراد و گروهی (اهل کتاب و کفار) داشته باشند که دین خدا را به سخریه و بازی گرفته‌اند. ایر. که چرا نباید از این دو گروه پیروی کرد و الگوی پذیرفته را در آیه ۸۲ مائده می‌یابیم: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُم مَّوَدَّةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بَأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَسِينَ وَرَهْبَانًا وَآنَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ».

افزون‌براین، عبارت «ما أنزل اليك من ربك» در سیاق آیات قبل و بعد از آن همچون:

وقالت اليهود يد الله مغلولة غلت أيديهم ولعنوا بما قالوا بل يداه مبسوطتان ينفق كيف يشاء وليزيدن كثيرا منهم ما أنزل إليك من ربك طغيانا وكفرا... (مائده: ۶۴).

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ طُغْيَانًا وَقُرْآنًا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (مائده: ۶۸).

وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُواهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ (مائده: ۸۱).

حکایت از یک امر مهم و حیاتی دارد که بیشتر اهل کتاب به خصوص یهود را به دشمنی و طغیان در برابر آن معرفی کرده‌اند. گفته شد آن امر مهم، ولایت

سری و علنی‌شان با منافقان در مکه سخره م‌بی‌یا آمده است. در این سوره از مؤمنان خواسته شده است که به عقود و پیمان‌های خود وفا کنند و برای‌شان جراحی از خوردنی‌ها  $\square\square$  و رخی ر لم شده ملت ، تا رفتارشان چیزی متفاوت با گذشتگان باشد. آن هم هر روزی که این تفاوت آشکار شود. م  $\square\square$  دیگر کفار امیدی به دین آنان نخواهند داشت: «یَسْ الذیر. کفروا من دیر. کم» و نقشه‌هاشان نقش بر آب خواهد شد و مؤمنان هم با دلگرمی بیشتر فقط از خدا خواهند ترسید  $\square\square$  تخشوهم فاشخون ف» لا تو بین نعمت‌ها یعنی ولایت الهی هم نصیب‌شان خواهد شد «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده: ۵۶).

ج - واژه‌هایی چون وفا، عقود، حرام و  $\square\square$ ، الذین آمنوا، الذیر. کفروا، دین، خشیت از کفار، نعمت و  $\square\square$  در آیه ۱-۳ سوره مائده در ساختاری خاص به کار رفته است و از آنها نتیجه گرفته می‌شود که از یک سو، عده‌ای از کفار به برخی عقود و پیمان‌های شان وفا ر. کرده و جانب برخی حرام‌ها و  $\square\square$ ‌های الهی را نداشته‌اند، همان کسانی که با میثاق‌شکنی دیرینه‌شان (یعنی یهو) حر لم خدا را ح  $\square\square$  و ح  $\square\square$  خدا را حرام و سعی کردند، مسلمانان را از خود بترسانند و بین آنها تفرقه بیندازند، آن هم با نفاق برخی، تا اثری از دین آنان باقی نماند، به حدی که همه حتی ابراهیم نبی را هم از خودشان دانستند: «أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ أَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمْ اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» آل عمران: ۱۴۰ و از این هم بالاتر دوست داشتند پیامبر شما هم از آنها پیروی کند: «وَلَنْ

تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مَلَّتَهُمْ...» بقره: ۱۲۰؛ اما آنها دچار یأس می‌شوند نه وقتی که تنها حکم ح  $\square\square$  و حرام بر شما کامل تر نازل شود؛ بلکه از آن جهت که دین شما قوت به نیرویی می‌گیرد که برپادارنده آن حکم ح  $\square\square$  و حر لم  $\square\square$  رسول  $\square\square$  خواهد بود.

از سوی دیگر، از مؤمنان «الذین آمنوا» هم خواسته شده است که راه و رفتارشان را از آنان جدا کنید و  $\square\square$  و حر لم الهی ا سبیل دل رید ورس تیز فعالیت‌های کافران نداشته باشید،  $\square\square$  : «مَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (مائده: ۸۷)؛ زیرا خداوند دین شما را در چنین روزی کامل و نعمت خود یعنی ولایتش را نصیب شما کرد و  $\square\square$  م وجه جامع همه ادیان آسمانی را «أَفْغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْعُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَالَّذِينَ يُرْجَعُونَ» (آل عمران: ۸۳) قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (آل عمران: ۸۴) وَمَنْ بَغَىٰ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (آل عمران: ۸۵) پسندیده خود و شما قرار داد: (رضیت لکم الاسلام م دیناً).

این همان وعده‌ای است که خداوند قبل از این در سوره نور که پیش از سوره مائده در مدینه نازل شده بود، تحقق آن را وعده داده بود: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا

فاسقون»، بگو ای اهل کتاب آیا خشم و کینه و خرده‌گیری شما نسبت به ما نه به این خاطر است که ما به خدا و آنچه بر ما و بر پیشینان فرو فرستاده شده است، ایمان آورده‌ایم و ایر. که بیشتر شما فاسقید؟ آنگاه در آیات ۶۰-۶۶ از چهره یهودیان بزهدکار پرده‌برداری بیشتری می‌کند.

در آیه ۶۸ «ولیزیدن کثیرا منهم ما انزل الیک من ربک طغیانا وکفرا...» هم به واکنش تند اهل کتاب در برابر «ما انزل الیک من ربک» اشاره می‌کند که بی‌ربط با آیه قبل آن (۶۷) نیست، به‌خصوص اگر مطابق روایات بپذیریم «ما انزل الیک من ربک» یعنی همان امر ولایت امام علی (ع) است. در آن صورت این بخش از قرآن به دلالت التزامی می‌رساند که یهود نسبت به مقام ولایت امیرالمؤمنین از همان آغاز حساسیت زیادی داشته است.

یک نگرش دیگر، وجه ارتباط آیات قبل و بعد آیه ۶۷ (آیه تبلیغ) را اینگونه تبیین کرده است که به دنبال پرده‌برداری از زنده‌ترین چهره‌های یهود، خداوند در آیه ۶۷ به پیامبرش فرمان می‌دهد: آنچه از جانب پروردگارت نازل شده است به مردم بگو «بلغ ما انزل الیک من ربک» که آنچه بر پیغمبر نازل شده عبارت بود از:

۱- آیات افشاکننده چهره‌های کفر، ظلم، فسق و نفاق یهود و نداشتن لیاقت صحیحیت‌ها و اهل امامت و ولایت مردم.

۲- نسخ پاره‌ای از احکام تورات و انجیل (مآئده: ۱-۱۱).

۳- لغو میثاق و عهد ولایت خدا با اهل کتاب (مآئده: ۱۲-۱۴).

يَعْبُدُونِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (النور: ۵۵).

روشن است که مفاد آیه تبلیغ، هم به مانند آیه اکمال دین با قبل و بعد خود ارتباط تنگاتنگی دارد، در صورتی که با نگرش فراخطی به متن قرآن نگرسته شود. بدین صورت که خداوند در سوره مائده، نشانه‌های متعددی را مبنی بر افشای چهره یهود، سرسخت‌ترین دشمن مؤمنان (آیه ۸۲)، تعبیه کرده است که با تدبر در ساختار شبکه‌ای نظم آن می‌توان مشخص کرد که بخش متناهی از این نشانه‌ها مربوط به اهمیت امر ولایت است، مآئده در آیه ۵۱ تا ۵۳ سه بار از مسلمانان می‌خواهد که چنین ملت کافر، ظالم و فاسقی را که خواستار حکم و حکومت غیرالهی است اولیاء خود قرار ندهند و کسانی که با آنان طرح دوستی بندند از آنان (یعنی ظالمان) محسوب می‌شوند. در آیه ۵۴ نیز به مسلمانان باایمان هشدار می‌دهد که اگر از دین بگردد، م به سوی آنان برگردند، خداوند جمعیتی را جایگزین آنها خواهد ساخت که دارای اوصافی ممتازند.

در آیات ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ در کنار ذکر و تأکید بر ایر. که ولی و سرپرست شما خدا و پیامبرش و آنانند که ایمان می‌آورند و نماز به پا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌پردازند (که طبق تفاسیر شیعه و سنی منظور امام علی (ع) است)، از مؤمنان می‌خواهد که مبدا اهل کتاب و کفار، یعنی آنان که دین و نمازتان را به استهزاء و بازی می‌گیرند را اولیاء خویش برگزینید؛ چون اینان قومی هستند که عقل خود را به کار نمی‌برند. در آیه ۵۹ نیز آنان را اینگونه توبیخ می‌کند: «قل یا اهل الکتاب هل تقمون منا الا ان آمننا بالله وما انزل الینا وما انزل من قبل وان اکثرکم

به پیامبرش می‌فرماید: «وان لم تفعل فما بلغت رسالته» یعنی اگر آنچه در سوره مائده نازل شده است، مخصوصاً آیه: «انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا...» را به مردم بگویند، کلام را به پیامبر نرسانده‌ای.

البته طبیعی است که این «بگویند و کفر و طغیان یا بسیاری از اهل کتاب بیفزاید و آنان را به عکس‌العمل شدید و قتل پیامبر(ص) وادار کند. آنان باید بدانند که با این‌گونه دسر یگوره و لادیت فرمانزوی وی آنها سپری شده است و ایرک نوبت ولایت مسلمانان باایمان است و با بگویند انحصار و لادیت را خدا و پیامبر(ص) و تداوم آن با علی(ع) باید بدانند که دیگر ولایت خدایت به و وسیله باز نخواهد گشت (ر.ک: بی‌آزار شیرازی، صص ۳۶-۳۸).

### نتیجه‌گیری

توجه به ساختارهای زبانی و بیانی قرآن را باید نقطه عطفی در شناخت و معرفی متن قرآنی به شمار آورد. امری مهم که از گذشته تا حال مطمح‌نظر قرآن‌شناسان مسلمان بوده است که البته بیشتر یافته‌های آنان بر قواعد رایج در عرف و در راستای متمایز نشان‌دادن متن الهی از بشری متمرکز بوده است. یکی از آن قواعد را می‌توان در بحث نظم و ارتباط آیات و سوره و دلیل‌های حاصل از آن مشاهده کرد که به شواهد تاریخی و ادبی، عمده مطالعات و پژوهش‌های این حوزه بر محور نظم خطی و طولی متن شکل گرفته است.

قطعاً نتایج حاصل از این نوع مطالعات محدود و متناسب با نگرش متأثر از آن بوده است. به نحوی که در کشف ارتباط بین بخش‌هایی از قرآن به هر دلیلی

۴- نهی شدید از قراردادان یهود و نصاری کافر و ظالم و فاسق و خواستار حکم و حکومت غیرالهی، چون اولیاء (مائده: ۱۵-۲۶).

۵- انحصار ولایت به خدا و پیامبر(ص) و بعد از پیامبر علی(ع) ادامه‌دهنده ولایت بر مؤمنان: انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون ظلمة و یؤتون الزکاة وهم راکعون (مائده: ۵۵).

قسمت ۱ و ۲ و ۳ و ۴، بگویند در سوره‌هایی چون بقره، آل عمران، نساء، انعام و اعراف نیز به‌طور پراکنده آمده بود؛ اما آنچه در این سوره تازگی داشت، همان قسمت پنجم یعنی انحصار ولایت به خدا و پیامبر و بعد از پیامبر ادامه آن با امام علی(ع) بود که بگویند آن سبب می‌شد، آخرین در پیچه امید به بازگشت دین و ولایت بعد از مرگ پیامبر(ص) به سوی کفرپیشگان یهود و نصارا بسته شود و آنها از ضربه‌زدن به دین بگریزیدند. «الیوم یس الذین کفروا من دیرکم» و با بگویند انحصار ولایت و ادامه آن بعد از پیامبر اکرم (ص) دین بگویند کامل شود و نعمت الهی بر مسلمانان به حد کمال رسد: «الیوم اکملت لکم دیرکم و اتممت علیکم نعمتی» (مائده: ۳).

صاحبان این نگرش معتقدند که اگر مسلمانان همچنان از ترس یهود و نصارا تحت ولایت آنان در می‌آمدند، همچنان که امروز بسیاری از کشورهای مسلمان را آمده‌اند، دداریگام و لستفیل و آزله‌ای اعظمت و شکوه خود را از دست می‌داد و با مرگ پیامبر یک‌باره همه چیز تمام می‌شد، یا چاره‌ای در داخل می‌شدند و از صفحه تاریخ محو می‌گشتند. آنگاه بود که تمامی زحمات پیامبر(ص) هدر می‌شد و رسالتش به انجام نمی‌رسید. از این رو، خداوند خطاب

یافته‌های این گفتار نشان‌دهنده آن است که به حکم ﴿ف﴾ منابع در معرفی روز قیامت که در کتب الهی شد و خدا غمگین را و مردم تمام کرد و بندگان را دین آنها معرفی کرد، الگوی فراخطی متن مشخص می‌سازد، آن همان روزی است که پیامبر (ص) مأمور شد امر مهمی را بگوید و آن امر مهم رهبر و ولایت بود که در واقع آیات متعددی از سوره‌های قرآن به خصوص سوره مائده در صدد مهم و اصیل نشان دادن آن امر هستند. امری که کفار از اهل کتاب و منافقان با وجود ﴿ط﴾ از مصداق آن و بی‌خبرم علم (که در روز غدیر خم به تصریح پیامبر (ص) امامت و جانشینی ایشان بگویند) سعلی ر پها دن دن ک و نابودی آن داشتند؛ بنابراین نمی‌توان پذیرفت که گوینده الهی به خاطر ترس از مخالفان امر ولایت، آن (را در جای اصلی اش ﴿ع﴾ بعد از آمبیه بیاورد: ۶۷) قرار نداده است؛ چون بر اساس نظم شبکه‌ای و فراخطی قرآن، خدا خود همان امر مهم را به شیوه‌ای حکیمانه در متن آیات با نشانه‌های متعدد قرار داده است، تا مخاطب متن با کمک تدبر و اندیشه در اطراف متن بتواند به واقعیت آن دست یابد.

### منابع

۱. قرآن کریم.
۲. العوا، سلوا (۱۳۸۷)، «تناسب مضمونی و انسجام ساختاری در قرآن»، ترجمه: سید علی آقایی، مجله کتاب ماه دین، سال یازدهم، شماره ۱۳۲.
۳. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیة.

و بی‌شک نوده ملت؛ ﴿م﴾ در وجه ارتباط آمبیه کمال دین و آیه تبلیغ با قبل و بعد آن میتوان این موفق نبودن را مؤلده کرد که بجزاً موجب ﴿ف﴾ به بن شعیع سنی هم شده است. به فرض ایراد که موفقیتی هرچند اندک هم حاصل شده باشد، نتیجه استفاده از منابع برون‌متنی همچون روایات معصومین علیهم‌السلام و شواهد تاریخی بوده است؛ وگرنه در این راستا به قابلیت‌های خود متن توجه چندانی نشده است؛ اما به کمک ایده «گذر از نظم خطی» و در نظر گرفتن متن قرآن به مثابه یک شبکه‌ای از اجزای به هم مرتبط تا حدودی زیاد می‌توان قابلیت‌های متن را شکوفا ساخت و از کشف ارتباطات به هم تنیده آیات و سوره‌ها برای بسیاری از مسائل و مشکلات فهم قرآن کمک گرفت.

با مطالعه و بررسی متن قرآنی با اتکا به الگوی نظم فراخطی در کنار نظم خطی قرآن روشن شد که آیه اکمال دین که بنا بر نظر مفسران شیعه با قبل و بعد آن بی‌ارتباط است، آن هم به دلیل آنکه قبل و بعد از آن ﴿ح﴾ حرام الهی در دین ملت و ربطی با آیه مربوطه ندارد، نظری مطلوب و منطبق بر واقعیت متن قرآن نیست؛ بلکه با در نظر گرفتن واژگان کلیدی آیات نخستین سوره مائده و نیز ساختارهای متوازن آن در جاهای دیگر متن، آیه اکمال به شکلی حکیمانه و شگرف در این بخش متن جای داده شده است که بنا بر شناخت فضای صدور سوره مائده (آخرین سوره نازل شده) و ارتباط آن به تمام سوره‌های پیش از آن در نزول به خصوص ۳ سوره قبل از آن در چینش کنونی سوره قرآن، می‌توان به واقعیت نظم فراخطی آن و ارتباطش با قبل و بعد پی برد.

۴. ابوزهره، محمد (۱۴۱۸)، المعجزة الكبرى القرآن، القاهرة: دارالفکر العربی.
۵. ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۲۰)، التحرير و التنوير، بيروت: مؤسسة التاريخ العربی.
۶. استریناتی، دومینیک (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامه، ترجمه: ثریا پاک‌نظر، تهران: گم‌نو.
۷. امینی، عبدالحسین (۱۴۱۶)، الغدير فی الكتاب و السنة و الأدب، قم: مرکز الغدير للدراسات لإسلامیة.
۸. ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۸۸)، مفاهیم قرآنی - دینی در قرآن مجید، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
۹. --- (۱۳۶۱ش)، خدا و انسان در قرآن، ترجمه: احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۰. بابائی، علی اکبر (۱۳۸۶)، مکاتب تفسیری، تهران: انتشارات سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
۱۲. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۶۸)، «ارتباط و تناسب آیات در قرآن»، تهران: کیهان اندیشه، شماره ۲۸.
۱۳. جوادی آملی، عبد □ □ (۱۳۸۹)، التسنیم، قم: نشر إسرائ.
۱۴. الحجازی، محمد محمود ( ۱۳۹۰ق)، الوحدة الموضوعیة فی القرآن‌الکریم، القاهرة: مطبعة المدنی.
۱۵. حکیم، سیدمحمدباقر (۱۴۱۷)، علوم القرآن، قم: دل‌المفکر لإسلامی.
۱۶. خالقی، احمد (۱۳۸۵)، زبان، قدرت و زندگی روزمره، تهران: انتشارات گام.
۱۷. خامه‌گر، محمد (۱۳۸۶)، ساختار هندسی سوره‌های قرآن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۸. دشتی، محمد (۱۳۸۱)، ره‌آورد مبارزات حضرت زهرا(ع)، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین(ع).
۱۹. ذوقی، امین (۱۳۹۲)، «نگره‌ای جدید درباره انسجام متنی سوره‌های قرآن کریم»، دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، سال ششم، شماره دوم، بهار و تابستان، پیاپی ۱۲.
۲۰. رایبسون، نیل (۱۳۹۱)، «دستان باز؛ قرائتی دوباره از سوره مائده»، ترجمه محمدکاظم شاکر و انسیه عسکری، مجله پژوهش‌های قرآنی، سال هجدهم، شماره ۱، پیاپی ۶۹.
۲۱. زمخشری، جلال □ □ (۱۴۰۷)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی.
۲۲. سیوطی، جلال الدین ( ۱۴۰۴)، در المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیة □ □ المرعشی النجفی.
۲۳. --- (۱۴۲۱ق)، الإتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب العربی.
۲۴. --- (۱۴۰۶)، تناسق الدرر فی تناسب السور، دراسة و تحقیق: عبد القادر احمد عطاء، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۲۵. شحاته، عبد □ □ محمود (۱۳۶۹ش)، اهداف کل سوره‌های قرآن و مقاصد آن، ترجمه سید محمد باقوحجتی، نشر فرهنگ بلد □ می، بی‌جا.
۲۶. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۵۹)، المدرسة القرآنیة؛ التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم، بیروت: دارالتعارف.
۲۷. طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان لعلموم القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۹. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵)، تفسیر نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۳۰. فخر رازی، (۱۴۲۰)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۱. فضل □ □ سیدمحمدحسین (۱۴۱۹)، من وحی القرآن، بیروت: داراللم □ □ للطباعة و النشر.
۳۲. فقهی‌زاده، عبدالهادی (۱۳۷۴ش)، پژوهشی در نظم قرآن، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۳۳. قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۸۶)، دانش نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن، مجله قرآن و علم، پاییز و زمستان، شماره ۱.
۳۴. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷ش)، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب.
۳۵. قیطوری، عامر (۱۳۸۵)، «قرآن و گذر از نظم خطی؛ یک بررسی زبان‌شناختی»، دو فصلنامه زبان و زبان‌شناسی، شماره ۳.
۳۶. کلینی، محمدیعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تهران: دارالکتب لإسلام □ می.
۳۷. مطیع، مهدی؛ احمد، پاکتچی؛ بهمن نامور مطلق (۱۳۸۸)، «درآمدی بر استفاده از روش‌های معناشناسی در مطالعات قرآنی»، مجله پژوهش دینی، بهار و تابستان، شماره ۱۸.
۳۸. میر محمدی، سیدابوالفضل (۱۴۲۰)، بحوث فی تاریخ القرآن و علومه، قم: مؤسسه النشر لإسلام □ می.
۳۹. نجارزادگان، فتح □ □ (۱۳۸۳)، تفسیر تطبیقی، قم: مرکز جهانی علوم بلد □ می.
۴۰. نفیسی، شادی (۱۳۸۱)، ه □ □ مه طباطبائی و معیارهای فهم و نقد احادیث اسباب نزول، مجله الهیات و حقوق، تابستان و پاییز، ش ۴ و ۵.
۴۱. الواحدی، علی بن احمد (۱۴۱۱)، اسباب النزول، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۴۲. واعظی، احمد (۱۳۸۳)، «ساحت‌های معناپژوهی»، مجله حوزه و دانشگاه، شماره ۳۹.
43. Mir, Mustansir(1993), The sura as a unity: A twentieth century development in
44. Qur`an exegesis, in Approaches to the Qur`an, G.R Hawting and Abdul-Kader A. Shareef (ed.), London: Routledge.